



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَجَلِ الْفَرْجِ وَالْعَافِيهِ وَالنَّصْرِ
وَأَجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ أَنْصَارِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ...

کاشف

هفته نامه فرهنگی، خبری
مدرسه دانستجوی قرآن و عترت
دانشگاه تهران
شماره ۱۸۶
۸ ربیع الاول ۱۴۳۸
۱۸ آذر ۱۳۹۵
پنجشنبه

www.ekashef.ir | info@ekashef.ir
www.QuranEtratSchool.ir

سال ششم

خ طابه

شروع یک عملیات قرآنی با محوریت مسئله حمایت از مناطق محروم

بیانات آقای اخوت درباره موضوع تبلیغ و مبلغ شدن، پنجشنبه ۱۱ آذرماه (قسمت دهم)

مقدمه: چنانچه مطلعید، در سلسله مطالب ستون جاری بیانات آقای اخوت با موضوع چربی، چستی و چگونگی تبلیغ قرآن در جامعه و لزوم مبلغ شدن منتشر گردید. تبیین نظام موضوعات (نزول حقایق از عالم قدس بر انسان با مراجعه به قرآن و عترت) و نظام مسائل (فهم نیازهای انسان در زندگی) و لزوم پیوستگی و همراهی این دو با یکدیگر (یافتن راه حل رفع نیازها در زندگی با توجه به حقایق عالم) در هر تبلیغی موضوع کلیدی شمارگان اخیر بوده است. در همین راستا، گزارشی از سفر اخیر ایشان به مناطق محروم استان سیستان و بلوچستان به عنوان نمونه‌ای از مواجهه با نظام مسائل در جامعه و نحوه انطباق بر نظام موضوعات جهت رسیدن به راه حل و اقدام به عمل، تقدیم می‌گردد:

شهرهایی مثل زابل گویی در نقشه کشور خیلی مورد توجه نیستند. بنده جاهای مختلف زیاد رفته‌ام اما آنجا محرومیتش خیلی واضح بود و به دلایل مختلف هم بسیار دردناک است. به خاطر مشکل خشکسالی حدود ۱۷ سال است که بخشی از مشاغل تعطیل شده‌اند. حدود چند هزار خانوار به شهرهایی مثل مشهد، بیرجند و... کوچ کرده‌اند. آنهایی هم که نرفته‌اند دستشان به جایی نرسیده و مجبور بودند به همان حادقلاها اکتفا کنند. در روستاها هم که مشاغل مثل کارمندی وجود ندارد. اتفاق بد دیگری که افتاده اینکه افراد قبلا با قاچاق سوخت از مرز و فروش آن درآمد داشتند اما الان چون مرز بسته شده است، دیگر نمی‌توانند. در مقابل عده‌ای دیگر که نوعا اهل تسنن‌اند، ترانزیت مواد مخدر می‌کنند و پولهای هنگفتی در می‌آورند. یعنی به طور طبیعی اهل تسنن فعال نگه داشته شده‌اند. به همین دلیل در سیستان ترکیب جمعیتی شیعیان به اهل تسنن که سابقا ۷۰ به ۳۰ درصد بوده، الان در حال تغییر است. اهل تسنن به این دلیل که حمایت‌های مختلفی می‌شوند -هم از ناحیه وهابیت و هم موارد دیگر- تزریق پول دارند اما شیعیان چنین حمایتی را ندارند. به طوریکه وضعیت زندگی‌شان اصلا خوب نیست و در حادقلاها مانده‌اند، مانند نیازمندی به لباس حتی در حد دست دوم. تقریبا در روستاها لباس فروشی و کفش فروشی معنایی ندارد.

برق و آب دارند اما حتی در مرکز استان هم گاز ندارند، یعنی با اینکه همه جای کشور گاز رفته اما در این استان هنوز گاز نرفته است.

در شهرستان زهک، یک روحانی انقلابی از سال ۸۵ با چنگ و دندان برای حفظ منطقه ایستاده و حوزه علمیه‌ای تأسیس کرده است. همچنین برای اغلب روستاهای شیعه‌نشین مسجد و خانه عالم درست کرده است و روحانیان را آموزش می‌دهد تا به روستاها بروند. در واقع با دست خالی این کارها را انجام می‌دهند و هیچ حمایت دولتی را ندارند. کمک‌هایی هم که می‌رسد توسط خیرین مردمی است. کارهای خیلی خوبی انجام داده‌اند و حدس زده می‌شود با این روند پیشرفت، تا پنج سال دیگر همه روستاهایشان روحانی، امام جماعت و مسجد دارند در حالیکه بعضا روستاهای تهران هنوز امام جماعت ندارند! این جناب روحانی در فکر بود که حتی یک حوزه علمیه تأسیس کند و از افغانستان و پاکستان جذب مخاطب داشته باشد که ان‌شاءالله خدا توفیقش را می‌دهد. افراد قوی و پا به رکابی به این شکل وجود دارند که باید آنها را کمک و حمایت مالی کرد و بیشتر هم به حمایت مالی نیاز دارند تا کاری که شروع کرده‌اند، ابتر نماند. بعضی وقتها ده هزار تومان‌ها هم به آنها کمک می‌کند چون در تهیه حادقلاهایی مثل تخته، مازیک، میز و صندلی هم مشکل دارند.

اتفاق دیگری هم که در نظام قرآنی آنجا افتاده است اینکه معلمان قرآن آنجا متأثر از سازمان تبلیغات اسلامی بودند و به جز حفظ و روخوانی از قرآن و مفاهیم ساده در حد ترجمه از چیز دیگری اطلاعی ندارند و قرآن خوانی را با همین روشهای قرائت، روخوانی و ترتیل می‌شناسند که این بلیه خیلی سختی است. ما همه منطقه را ندیدیم اما اغلب مناطق، به خصوص مناطق مرزی را که دیدیم، به این نتیجه رسیدیم که منطقه از جهت امکان برای کار کردن خیلی مستعد است و افراد آنجا از نظر استعداد و توانایی‌های تشییعی که بذرش در آنجا کاشته شده است، جزء نوادر کشور بودند.

اقلیم طبیعی آنجا به شدت از نظر پتانسیلهای منطقه‌ای قوی است اما تقریبا هیچ‌کس روی آن کار نکرده است و گیاه غالب آنجا، گز است در صورتی که گیاهان دیگر نیز

می‌توانست باشد. نه بر روی کشاورزی و نه دامپروری کار نشده است. خاک رویی منطقه شور اما خاک زیر به شدت مستعد است به نحوی که علمای رشته‌های مختلف می‌توانند آنجا کار کنند و اقلیم را تغییر داده و گیاهان را عوض کنند که این امور، زمان و کار می‌برد. افراد چنین مناطقی، عموما رفع مشکلات با تفکر را یاد نگرفته‌اند. یعنی مثلا وقتی خشکسالی می‌شود نمی‌دانند باید چه برخوردی داشته باشند. علم مدیریت اقتصادی، تامین منابع و تشخیص استفاده از منابع در کشور وجود ندارد و آنچه در مدارس و دانشگاهها می‌خوانیم، کاربرد ندارد. اگر نتوانیم نظام آموزشی را تغییر دهیم این انحراف تکثیر می‌شود. اینکه چیزهایی که فرد می‌خواند هیچ رابطه و سختیتی با زندگی و نیازهای او در روستا ندارد. خدا می‌داند وقتی یک روستایی با نظام مسائل خاص خود، کتابهای شهری را می‌خواند چه بلایی سرش می‌آید. و خدا می‌داند وقتی یک شهری کتابهای غربی را می‌خواند و بعد هم هیچ استفاده‌ای نمی‌کند، چه بلایی سر دین و ایمانش می‌آید. چون رابطه علم و عمل کاملا گسسته است. احتیاج به یک انقلاب و نهضت علمی جدی است، باید جلوی انحراف را از یک جایی گرفت. بهترین کار این است که دروسهای کاربردی مربوط به روستاها توسط مجموعه‌هایی مثل مدرسه قرآن نوشته شود و آنجا درس داده شود. چون ما که نمی‌توانیم کتابهای مدارس و دانشگاهها را عوض کنیم اما می‌توانیم طرح دروسهای مربوط به نیازهای روستایی هر اقلیم مانند مهارتهایی راجع به خاک، زهکشی و... را تهیه و تدریس کنیم. مثلا خیلی ساده بدانند چه کار کنند تا خاک شور نشود. با یک اقدام ساده می‌شود از شور شدن خاک جلوگیری کرد و با یک عمل ساده ممکن است این خاک شور شده و دیگر نشود از آن استفاده کرد. یک فرد روستایی باید این علوم و مهارتها را در دوره راهنمایی یاد بگیرد و نه خیلی چیزهای دیگری که در کتابهاست. این مطالب نسل به نسل هم منتقل نشده‌اند چون نسل قبلی هم آنها را نمی‌دانسته است. نظام آموزشی فعلی



هیچ راهی برای یک دانش آموز روستایی نمی گذارد جز اینکه به شهر بیاید و دانشگاه برود. بعد هم باید حتما جایی استخدام شود و حقوق بگیرد. اینها انحرافات است که در نظامهای ساختاری ما وجود دارد. باید گفت علمای اسلام به داد این نظام آموزشی برسید.

تغییر وضعیت آموزشی مثل آب خوردن است. به شرطی که آدم از مسیرش برود و درست برود. خدا را شکر می کنیم که در مدرسه قرآن، هر فردی یک رشته دانشگاهی را بلد است. هر علمی که دارد به این فکر کنید که در مقاطع مختلف تحصیلی چه نکاتی از آن را برای یک دانش آموز می توان گفت و چگونه باید گفت؟ ما اگر نتوانیم علم کاربردی به افراد یاد دهیم، قرآن را هم نمی توانیم درس دهیم. چون قرآن روی متن و سبک زندگی فرد می نشیند. نمی شود سبک زندگی فرد مشرکانه باشد و قرآن هم یاد بگیرد. باید سبک زندگی هم تغییر کند. در یک نظام آموزشی معیوب، مکرر و در هر مقطع به فرد گفته می شود دوباره یک چیزی بخوان که بعدا هم به درد نمی خورد! و خروجی آن، فردی می شود که هیچ کاری بلد نیست اما آرزوهای بسیاری دارد و فقط یک شهر باید برای آرزوهای او ساخت!

یکی از حُسنهای چنین سفرهایی این است که می فهمیم بسیاری از تعالیمی که می شود داد و باید داد، باید تغییر کنند و تبدیل به فرمهای ساده شوند. مثلا وقتی سوره ناس درس داده می شود، باید بلافاصله در کنار آن آموزشهای ارتباط صحیح با مردم، دوری از کندی در کار و... هم آموزش داده شوند. نمی شود سوره ناس درس داد اما این قسمتش را نگفت. یعنی اگر فعالیتهای قرآنی همراه با اصلاح سبک زندگی نباشند چه بسا فرد با آیاتی که یاد می گیرد، زندگی خرابش را زینت شیطانی دهد.

گرفتاری مشترک در زندگی هایمان این است که ما را عادت دادند به دست دولتها چشم بدوزیم. افراد منتظرند کسی بیاید دستشان را بگیرد. در جمع روحانیونی که بودم از ایشان سوال کردم شما از چند روستا هستید؟ گفتند از ۱۶۰ تا روستای مختلف. پیشنهاد شد با هم ارتباط برقرار کنند. هر روستایی تولیدی - مثل مرغ، تخم مرغ، سبزیجات و... داشت، خبردار کند و محل توزیع برای بقیه روستاها شود. روحانی و مبلغ هم نقطه اتصال می شود. اقتصاد اسلامی بر مبادله کالا به کالا است، نه پول به پول که شبیه ریاست. بر این اساس می توان مدلی از اقتصاد طراحی کرد که برای همه دنیا نمونه باشد. یعنی اگر این پیشنهاد را اجرا کنند تا پنج سال دیگر همین منطقه نماد اقتصاد مقاومتی می شود. به طوری که نه تنها نیازهای خودش را برطرف می کند، بلکه با سرریز تولیداتش، می تواند مناطق اطراف را - که وضعشان به مراتب بدتر است - هم تأمین کند. دیگر نیازی به بانک ندارند چون نظامشان کالا به کالا است. ساز و کارش این است که اول مقداری پول به آنجا برسد تا سازندگی کنند،

بعد هر روستایی تولیدی پیدا می کند. روستاها باید از طریق انجمن جماعت و مسجد مدیریت شوند. اینگونه مسجد و امام جماعت جایگاه و نقش کلیدی خودشان را پیدا می کنند. چون در جامعه اسلامی جایگزین بانک، مسجد است و مسجد و امام جماعت، پایگاه اند.

نتیجه گیری و برنامه مدرسه قرآن جهت عملیات

ما به عنوان یک موسسه قرآنی می خواهیم در وهله اول پل ارتباطی خدمات مالی و علمی به آنجا شویم. یعنی به صورت مردمی و خودجوش بدون وابستگی به جایی، یک سیستم مردمی راه بیندازیم که نه تنها برای این منطقه بلکه موسسات و افراد در شهرهای بزرگ برای مناطق محروم کشور معین شوند. باید مکانیزمی طراحی کنیم که صدقات جاریه افراد در شهرهای بزرگ به شکرانه همه نعمتهایی که دارند، در مناطق محروم هزینه شوند. چون آنجا واقعا برهوت است. در شهر هیرمند - نزدیک مرز افغانستان - داشتند مسجدی را می ساختند. کسی که ما را برده بود، چیزی نمونده بود اشکش در بیاید. آنقدر که در حدالها گیر کرده بودند. می گفت من یک طلبه ام و می توانم به شهرهای بزرگ بروم اما رهبر گفته اند اینجا تنگه اُحد است و ما نسبت به حرف آقا اعتماد داریم. می گفت من برای اجاره یک مکان برگزاری کلاس، ماهانه ۳۰۰ هزار تومان نیاز دارم اما نمی توانم آن را جور کنم. امام جمعه شهر هامون می گفت اینجا در این شهر جایی برای اسکان نداریم. کسی هم پولی نمی دهد که بخواهیم جایی را کرایه کنیم. اما با این حال هر ماه به نانوائی های شهر سر می زدند و بدهی افراد محروم را در حدی که دفعه بعد به آنها نان بدهند، پرداخت می کردند.

پس اولین کاری که باید کرد ایجاد یک ارتباط مردمی بین خودمان و آنهاست. پیشنهاد می شود صندوقی درست کنیم و افراد این جمع و با ارتباط با موسسات دیگر، برای آنها پول جمع آوری کرده و فرستاده شود. بعضا کارشان با ۲۰۰۰-۱۰۰ هزار تومان در ماه حل می شود و رونق می گیرند. آنجا اثر پول به طور عجیبی دیده می شود. اگر اقدام مالی جواب بدهد، مراحل بعدی ارتباطمان با زابل ان شاء الله شروع میشود. که برنامه های خاصی برای ارتقای سطح مبلغین خواهیم داشت. و در مراحل بعدی هم کارهای عملی داریم مثلا تغییر اقلیم گیاهی باید انجام شود تا با عوض شدن گیاهان، درآمد ایجاد شود.

مانند زابل در مملکت مان زیاد است. بهتر است از یک جا شروع کنیم و متفرق کار نشود تا به صورت میدانی و مرتب ارزیابی کنیم. وقتی به سامان رسید به مناطق دیگری برویم که متاسفانه این مناطق هم زیاد هستند. اگر بخواهیم قرآن را آموزش بدهیم باید قرآن عملیاتی را آموزش دهیم باید در جایی عملیات کنیم تا بشود نمایاند که قرآن می تواند جایی را آباد کند. همه جا چون قرآن نمی خوانند آباد نمی شوند! بخواهیم تا آباد شوند. خود قرآن می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾ (مائده: ۶۶)
یعنی اگر تورات و انجیل را اقامه می کردند از آسمان و زمین برکات بر آنها نازل می شد. این قرآن خواندن اگر بدون عمل باشد منحرفمان می کند. دچار کبر و علوم مسموم می شویم. قرآن را باید ساده گفت منتها هرچه که فرد بلد شد را باید در عمل برد.

پس اگر ما بخواهیم به قرآن عمل کنیم با اطلاعات عملیاتی که از این سفر داشتیم باید برنامه ریزی کنیم. تا سه ماه آتی بر روی این منطقه برنامه مان را می گذاریم. البته با سه ماه کار تمام نمی شود اما مرحله اول عملیاتمان را تا سه ماه می گذاریم. در این مدت با جذب کمکهای مالی خیرین، موسسات قرآنی و مردم برای افراد آن منطقه انگیزه سازی جهت پیشرفت می کنیم. الحمدلله این جریان کاملا مستقل است و سلامت هم به استقلالش است. چون قصد ما جلب مشارکت مردمی هست. اگر این کار قید دولتی بخورد، خراب می شود. تمام قوتش به این است که یک جریان دانشگاهی می خواهد کاری کند که منجر به زنده شدن خودش نیز می شود. در واقع ما به این کار نیاز داریم، نه اینکه آنها نیازمند ما باشند.

متاسفانه موسسه های قرآنی آن مناطق، همه در حالا متلاشی شدن یا انجام کارهای ضعیف اند. مخاطب هم دارند. حتی مدرسه شبانه روزی حفظ قرآن هم داشتند که در حد ۲۰-۳۰ نفر از شیعیان را آموزش می دادند. اما مبلغشان میگفت که لنگ ۳۰۰ هزار تومان برای اجاره کلاسهاست. و خیلی منتظر حرکت های مثبت ما بودند. پس هر کس به اندازه وسع خودش ارتباط ایجاد کرده و جلب حمایت کند. مسجد در آنجا برای شیعیان خیلی مهم است و ارتباط گیری با خیرین مسجد ساز اهمیت دارد. اولین کاری که باید کرد اینکه برای هر روستا یک مقرر مثل خانه امام جمعه درست شود. که بعدا همین مقرر، برای منطقه سرمایه می شود.

نکته دیگر برای اقدامات آینده مان در زمینه تبلیغ اینکه باید بدانیم و بتوانیم علمهای مختلف دانشگاهی را به سمت کاربرد و تولید ثروت بکشانیم. اگر نشود این کار را انجام دهیم، عملیات تبلیغ هم موفق نخواهد بود. علمهایی که می تواند مردم را به تولید اقتصادی بکشاند باید در سیستم ما فعال شود. یعنی مبلغ، فرد صاحب نظری در مورد اقتصاد هم هست و میتواند تولید ثروت کند. همینطور سبک زندگی را می تواند تغییر دهد، مقداری از طب سنتی بلد باشد، گیاهان را بشناسد و... مبلغ باید در خورچین اش چیزهای مختلفی داشته باشد. به مرور تا چند ماه آینده، مزاجها و گیاهانی که بیماریهای ساده را برطرف می کنند را بشناسیم. اطلاعات عمومی زندگی ساده مردم را بدانیم، حتی در حد غسل دادن میت و نماز بر او. مثلا در یکی از روستاها ناراحتی شان



همین بود که اگر شیعه‌ای می‌برد، باید توسط اهل تسنن دفن شود. اهل تسنن خیلی جلوترند و شیعه متأسفانه در این زمینه خیلی ضعیف عمل کرده است. تنها دلیل این نیست که به آنها پول زیادی تزریق می‌شود بلکه به این خاطر است که سبک تبلیغشان، سبک درستی است چون مبلغین با مردم زندگی می‌کنند. مبلغ وهابی از پاکستان می‌آید و آنقدر می‌ماند تا چند نفر از اهل روستا را با خود همراه کند و بعد سراغ روستای بعدی

می‌رود. تعالیم‌شان هم ساده است. در عوض ما چطور تبلیغ می‌کنیم؟ نهایتاً یک ماه رمضان در یک منطقه تبلیغ می‌کنیم و برمی‌گردیم! هرگز اینطور نیست که یک مبلغ یکی-دو سال در یک شهر بماند. اما به این روش، تبلیغ صورت نمی‌گیرد. کسی تا با مردم زندگی نکند، مبلغ نمی‌شود. مثلاً می‌گوئیم باید دو سال آنجا ماند، می‌پرسند مگر می‌شود دوسال آنجا ماند؟! جواب اینکه بله، چرا نمیشود؟! باید بشود! یکی از اساتید حوزوی آنجا، فردی

افغان بود. افغان‌ها برخلاف تصور عموم، افراد بسیار روشن و ویژه‌ای در بین خود دارند. ایشان می‌گفت چه خوب می‌شد مبلغین اینجا بیایند و یکی-دو سال بمانند و آموزشهایی را -مثلاً کتب کفایه، مکاسب و...- بدهند و بعد به شهرشان برگردند. در حالیکه تبلیغهای ما، استاد پروازی و فانتزی است! و این روش جواب نمی‌دهد. ان شاء الله که بتوانیم از این فرصت جدید استفاده کنیم، به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

پیشخوان

فراخوان مشارکت مالی برای رفع نیازمندی‌های مناطق محروم در سیستان

- در راستای مطلب ستون خطابه و هدف مدرسه قرآن در حمایت مالی از موسسات و مبلغین قرآنی در مناطق محروم استان سیستان، نیازمندی‌های آنها به شرح ذیل شناسایی گردیده است:
- مشکلات مالی برای پرداخت هزینه‌های جاری موسسات قرآنی-فرهنگی به طور ماهیانه (برخی موسسات با پرداخت ماهانه ۳۰۰ هزار تومان میتوانند دهها نفر از شیعیان علاقه‌مند را تحت پوشش فرهنگی خود قرار دهند).
- مشکلات مالی برای طلاب و خانواده‌شان که داوطلبانه برای تبلیغ در آنجا رحل اقامت گزیده‌اند (اجاره مسکن، هزینه‌های جزوات، پذیرایی از قرآن‌آموزان علاقمند که تعدادشان کم نیست و...).
- مشکلات مالی برای خرید پوشاک، کفش و... در خانواده‌های محروم.
- نکات قابل توجه برای خیرین محترم اینکه اولاً هر میزان از کمک مالی حتی در حد چند هزار تومان نیز بعضاً برای مشکلات آن منطقه گره‌گشا می‌باشد، دوماً با ارتباط گیری با موسسات دیگر می‌توان حمایت‌های بیشتری را جلب کرد و سوماً با پیگیری ماهیانه در پرداخت کمکهای مالی میتوان در این قصد سازندگی به نتیجه رسید.
- خیرین محترم می‌توانند کمکهای مالی خود را به شماره کارت زیر (با نام آقای هادی ساعدی، بانک شهر) واریز نمایند: ۵۸۱۹-۰۵۸۱۹-۰۶۱۰-۰۵۴۷.

فراخوان حاشیه‌نویسی خاطرات از صحیفه فاطمیه در کتاب حکمت‌های فاطمی

تک جملات نورانی حضرت زهرا (علیها السلام) دلنوشته، متن ادبی، داستان و نکات مرتبطشان را یادداشت نمایند و کتاب اصلی با حاشیه‌نویسی خوانندگان به چاپ رسد. جهت تهیه کتاب و کسب اطلاعات بیشتر به وبسایت آثار در مدارس قرآن و عترت (www.ahlebit.com) می‌توانید مراجعه نمایید. مهلت تحویل آثار تا هفدهم ربیع‌الاول (۲۷ آذرماه) می‌باشد.

در مقدمه کتاب حکمت‌های فاطمی می‌خوانیم:

باید تشنه باشی و منتظر هدایت و عنایت، تا قطعه‌ای از اثر و یا نکته‌ای از سخنانش برایت گوهری بی‌همتا و لؤلؤیی بی‌نظیر باشد.

باید راه‌های بسیاری را طی کرده باشی و خستگی‌های متعددی را چشیده باشی تا وقتی به این چشمه هدایت رسیدی گوازی آن را با تمام وجود فهم کنی.

باید کتاب‌ها و کلام‌های بسیاری را دیده باشی تا نغز بودن و شگفت‌انگیز بودن و عمیق بودن کلام او را دریابی.

عجیب است و بسیار عجیب، با اینکه دنیا هجده بهار از زندگی‌اش را بیشتر تحمل نکرد ولی عمرهای طولانی

کتاب حکمت‌های فاطمی، اثری به همت اعضای گروه عبودیت عباد الرحمن (مدرسه علوم انسانی قرآن و عترت (www.ahlebit.com)) می‌باشد که حاوی دعا‌های تک جمله و برگزیده‌ی حضرت فاطمه (علیها السلام) از کتاب ادعیه صحیفه فاطمیه است. خاصیت ویژه این کتاب در گزینش عبارتهایی است که در هر صفحه کتاب آمده است. در هر صفحه یک دعای یک بندی به زبان عربی همراه با ترجمه فارسی به همراه سند دعایی آن با ترجیع‌بند «قالت فاطمة الزهراء (علیها السلام) آورده شده است. کتاب به گونه‌ایست که می‌توان هر جمله آن را به عنوان یک دعای کامل، رزق روزانه، یک تابلو، یک جمله آغاز کننده یادداشتهای روزانه و ... با خود مرور کرد و باور داشت که این تک جملات، بیانات نورانی ام ابیها (علیها السلام) است. تک جمله‌هایی که می‌توان حفظ کرد و با خود همراه داشت و به دیگران در قالبهای تابلو، کاشی، کارت پستال، کارت هدیه، نامه‌های دوستانه، کیف نوشتها و... هدیه کرد.

کتاب مذکور در تعداد محدودی به چاپ رسیده است تا اهل قلم در قسمتهای سفید بالای هر صفحه، بر

گزارشی از ستاد صحیفه فاطمیه با تبیین راهکارهای گسترش ادعیه و فراخوان جذب خادمین

هسته مرکزی ستاد صحیفه فاطمیه در تاریخ هفدهم آذرماه ۱۳۹۵ جلسه‌ای را جهت ارتقاء سطح عملیاتی ستاد تشکیل داد و در ذیل برنامه‌ها و ایده‌هایی که برای ستاد پیشنهاد شد -اعم از آغاز به کار سایت، برگزاری همایشها و...- مهمان

نکات ارزنده‌ای توسط استاد ارجمند؛ آقای اخوت بود که لازم است همه دوستداران کتاب صحیفه فاطمیه را میهمان رزقهای ناب این نشست نماییم. اعم صحبت در باب موانع و راهکارهای رفع موانع جهت ادامه فعالیت ستاد صحیفه فاطمیه بود.

در همین راستا مطالب زیر بیان شد:

چهار مانع عمده و مهم در مقابل تبلیغ صحیفه فاطمیه در جامعه در بین اعضای مجمع مدارس وجود دارد که لازم است برای رفع آن موانع برنامه ریزی های لازم صورت گیرد تا شاهد از بین رفتن سدهای تکوینی ای که در مقابل کار ایجاد شده، باشیم و مسیر برای حرکت مردمی هموار گردد. این موانع به قرار زیر است:

موانع اول: فرهنگ عمومی در باب دعا

این مانع در باب فرهنگ دعا در بین مردم است که سدی سنگین برای ورود کتاب صحیفه فاطمیه و ادعیه در جامعه قلمداد می شود. دعا به عنوان اسبابی کار-راه بینداز در فرهنگ عمومی با قدمتی هزار و خورده ای ساله جا افتاده است. کارکرد دعا از محوریت سبک زندگی مردم و منشأ تصمیم گیری، به گرم کردن مجالس و استفاده های حداقلی تقلیل پیدا کرده است. حتی اگر کتاب دعا را گروهی خریداری و مطالعه کنند و از آنها پرسیده شود چه بهره ای از دعاها بردید، خواهید دید بهره علمی و معنوی شان بسیار ناچیز است.

موانع دوم: کثرت کتب دعا

به برکت فعالیت های فعالین عرصه دعا، کتب متعدد ادعیه از ائمه اطهار علیهم السلام در اختیار مخاطبین قرار داده شده است. صحیفه علویه، صحیفه فاطمیه، صحیفه امام کاظم علیه السلام و امام صادق علیه السلام و... چاپ شده اند. زیاد بودن کتب ادعیه از طرفی و نبود فرهنگ غنی ادعیه در بین خوانندگان دعا از طرف دیگر؛ سبب می شود حرکت ترویج صحیفه فاطمیه به ثمر نرسانند. چرا که از شدت کثرت و تنوع کتب؛ مخاطب نمی تواند بین ادعیه تمایز قائل شود. در نتیجه ارزش ادعیه نسبت به یکدیگر مشخص نشده، کارکرد خود را نیافته و علم دعا، در بین کتب متکثر، گم و مفقود می گردد.

موانع سوم: عدم درک عظمت کتاب در مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت علیهم السلام
عدم درک از فلسفه وجودی کتاب جهت اولویت دادن در مطالعه و بکارگیری آن در برنامه های فردی و جمعی اعضای مجموعه خودمان، مانع دیگری است. ارزش و اهمیت این کتاب در بین خودی ها و دوستان مجمع مدارس نیز ناشناخته است.

موانع چهارم: ضعف طهارت در هسته عملیاتی ستاد صحیفه فاطمیه

اگر علم صحیفه فاطمیه بلند شود اسم مدرسه قرآن نیز بلند می شود. به همین دلیل شاید حضرت زهرا علیها السلام نخواهند این مجموعه بلندکننده و علمدار این کتاب باشد. باید نسبتی بین علم و علمدار آن یافت. باید دنبال افرادی باشیم که صاحب طهارت باشند و این علم را به آنها دهیم و بگویم شما بلند کنید و ما به شما کمک می کنیم. به هر حال علم هر چیزی را باید کسی از جنس همان چیز داشته باشد. فعلا که اینگونه نیستیم. با باید برگردیم و علمدار همجنس این علم پیدا کنیم یا اینکه کم کم شبیه علمداران این علم شویم.

اگر ستاد بخواهد برای صحیفه قدمی بردارد در وهله اول بایستی این چهار معضل را برطرف نماید. راهکارهای رفع موانع بدین قرار می باشد:

راهکار جهت رفع موانع اول: زمینه سازی برای ورود به دوره تدبیر در دعا

باید وارد فضای دعا شویم تا دعا را وارد فضای جامعه کنیم. لازم است دعا را به عنوان متن علمی بعد از قرآن وارد جامعه کنیم. این نیاز به زمان دارد و ان شاء الله اعضای مجموعه، با گذراندن دوره های عمومی و تخصصی تدبیر، محیط را فراهم می کنند تا وارد تدبیر در دعا شوند تا با ایجاد زمینه لازم بتوان راجع به موضوع دعا در مجامع علمی-اجتماعی صحبت کرد.

راهکار جهت رفع موانع دوم: ورود به دوره تدبیر در دعا

مطالعه تنوعی از دعا در این دوره نورانی سبب می شود نظام موضوعات دعا به صورت تخصصی مورد مطالعه قرار گیرند و موضوعات فراوانی بررسی شوند. با این کار جایگاه و کارکرد ادعیه تبیین خواهد شد. برای این مهم مطالعه ۱۴ جلد کتاب تدبیر در دعا در نظر گرفته شده است که به وقتش و با گذراندن راهکار قبل می توان به آن نائل گشت.

راهکار جهت رفع موانع سوم: ارتقای درک اعضای مجمع مدارس نسبت به دعا

با برنامه ریزی و عمل به راهکارهای قبل، مانع شماره سه نیز به ساحل امن رسیده و عملا هنگامی که اعضای مجموعه وارد تدبیر در دعا شوند، درکشان از دعا بالاتر رفته و قدردان آن خواهند بود و سعی شان برای وارد کردن دعا در جامعه به بلوغ می رسد.

راهکار جهت رفع موانع چهارم: از بین بردن موانع طهارتی

افرادی که قصد دارند در حوزه صحیفه فاطمیه فعالیت داشته باشند، بایستی برای خود یک آداب و مقررات طهارتی ویژه وضع نمایند. صحیفه فاطمیه همانند کندوی عسلی است که زنبورهایی که روی گل های نامطبوع می نشینند و از شهد آنها ارتزاق می کنند، اجازه ورود به این کندو را نخواهند داشت.

مهمترین عامل در عدم گسترش مسائل معنوی در جامعه، موانع فوق می باشند. موانع که برداشته شوند به طور طبیعی گسترش معنویت ایجاد می شود.

بنابراین هسته مرکزی ستاد صحیفه باید مزاجش تغییر کرده و با رفع این موانع قدردانی اش نسبت به دعا را ارتقاء دهد. اگر در این جمع، تغییر ذائقه نسبت به دعا به عنوان متنی علمی با کارکردهای تخصصی ایجاد شود، می توان منتظر بود که این تغییر و تحولات در جامعه و در مردم دیگر هم دیده شود.

خواندن دعا شبیه نشست زنبور روی گل است که با شهرداری از گل در کندو تولید عسل می کند. دعا که خوانده می شود خانه، محل کار و همه شئون زندگی باید شیرین شوند. برای این مهم لازم است موانع را از خودمان برداشته تا معنویت دعا در جامعه جاری گردد.

در راستای نکات مطرح شده، ستاد صحیفه فاطمیه در نظر دارد جهت برنامه ریزی برای رفع این موانع، مسیر را با ارتقای طهارت جمع باز کند و نسبت به نراحت و پاک سازی افرادی که خود را خادم صحیفه فاطمیه می دانند به همفکری و مشارکت جمعی بپردازد. در نتیجه همگی عزم را جزم کرده و با رشد طهارت در خود، کلیه موانع را برای ورود ادعیه صحیفه فاطمیه به جامعه بردارند. **چرا که جمع صحیفه باید جمع افرادی باشد که تلاش دارند خود را متخلق به اخلاق الهی کنند و از این مسیر گامی برای تزریق محتوای ناب کلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در جامعه بردارند.** با این کار ذائقه به دعاها تغییر کرده و آنچه را که انتظار داریم در بیرون و بین مردم رخ دهد اول در جمع خودمان صورت می گیرد و همین که از خود شروع کنیم، فکرها، ایده ها و خلاقیتها شکوفا شده و کار به اهلهش سپرده می شود، ان شاء الله.

لذا از کلیه خادמי که قصد دارند در این مسیر به مجاهده نفس پرداخته و از طریق برنامه های منظم در اصلاح خود اقدام نمایند و در رکاب حضرت حجت علیه السلام به برپایی علم فاطمی یاری رسانند، دعوت می شود همراه با ایده های خود در جلسه عملیاتی به تاریخ پنجشنبه ۲۵ آذرماه ساعت ۱۴:۳۰ در مکان مدرسه دانشجویی قرآن و عترت علیهم السلام حضور به هم رسانند.